

---

## نخستین کتابهای جهان

---

تاریخ پیدایش ادبیات بسی پیش‌تر از آنکه بشر نوشتن را فرا گیرد آغاز می‌شود. آدمیان نخستین در شگاف کوهها و ژرفای دره‌ها می‌زیستند، و چون تنها خور و خفت جوابگوی خواسته‌های درویشان نبود پایکوبی برخاستند و بدینسان نخستین هنر پدید آمد. اینان پس از پیروزی و کشتار دشمن، دلزنده و شادمان، بر گرد کومه‌های آتش‌گرد می‌آمدند، پای میکوفتند و هلله می‌کردند. اندک اندک این هلله‌ها و تک‌آواها بهم پیوست و جایگزین پایکوبی گردید؛ و بدینسان نخستین حماسه‌ی جنگی بر لبها رفت. و چون به گرداگرد خود نگرستند و پدیده‌های طبیعت - باد، باران، تندر، آذرخش و ستارگان - را بچشم دیدند، شگفتی‌ها بر مغزشان راه یافت. و چون این پدیده‌ها برایشان ناشناخته بود، بیاری پندار جانان بخشیدند و خدایان زنده‌شان خواندند، و برای فرونشاندن خشمشان به نیایش دست برداشتند. هر بامداد و شامگاه در برابر خورشید فرا ایستادند و بدرگاه پرتوخیزش نیایش‌ها کردند. سده‌ها که گذشت حماسه‌ها و نیایش‌ها باستانی شد؛ از نسلی بس نسل دیگر راه میبرد، و هر نسل از خود چیزی بدانها می‌افزود.

سرانجام از غارها بدر شدند و بکران زرخیز روده‌ها و آبگاران کوچیدند؛ گله‌ها و رمه‌ها فراز آوردند و جایگاه‌ها بنیاد کردند، و چون به دارائی یکدیگر دستبرد میزدند و گله‌هاشان بهم می‌میخت، ناگزیر شدند دارائی و گله‌ی خویش را نشانه‌گذاری کنند تا از دستبرد در امان ماند. و نیز ناگزیر بودند از حال مردمی که در سرزمین‌های دیگر می‌زیستند آگاه شوند، و بسیاری از پیشامدها را که فراموششان خطرناک بود بیاد داشته باشند. این سه، سبب شده نوشتن پدید آید. و چون نوشتن را تنها بی‌خاطر سودمندیش فرا گرفته بودند، این روش تازه را برای نگاهداری حماسه‌ها و نیایش‌ها و سرودها بکار بردند. در میان این انسانهای دیرینه، تنها گروهی نوشتن را فرا گرفتند، و گروه اندک‌تری می‌توانستند نوشته‌ها را باز خوانند.

میدانیم که نخستین تمدن انسانی در سرزمین میان دو رود (۱) (بابل، آشور، کلدی)، دره‌های پربرکت نیل، پهناورهای رود سند، و کرانه‌های دریای مدیترانه پدید آمد. و سومریها، بابلیان، کلدانیها، سریان، هندیها، عبرانیان، چینی‌ها و یونانیان

---

(۱) سرزمین پربرکت میان دو رود دجله و فرات که بین‌النهرین یا Mesopotamia (عراق امروزی) نام گرفته، از دیرباز زادگاه نخستین تمدنهای انسانی بوده است. چنانکه دولت‌های بزرگی چون سومر، آکاد، بابل و کلدی در آنجا پدید آمدند و نابود شدند. امروز هم این ناحیه از زرخیزترین بخش‌های کشاورزی جهان است و خاکی بس مستعد دارد.

نخستین ملت‌های شهرنشین دنیای کهن بودند (۲). پس خاور زمین - و به‌ویژه خاورمیانه - گاهواری تمدن بود و دیگر تمدن‌های جهان از آن زائیده شد. به‌گفته‌ی هال: «میان‌همه‌ی قسمت‌های جهان، خاورمیانه برای اروپائیان بیش از همه مورد توجه بوده و خواهد بود، چه تمدن و دین ما زائیده‌ی آنجاست» (۳).

نخستین نوشته از نقش‌ها پدید آمد. و نمونه‌ی این نقش‌آفرینی نخستین را میتوان در ژرفای غارها، روی پاپیروس‌های مصر و آثار سرخ‌پوستان امریکا یافت. بیشتر این نقش‌ها تصویر حیواناتی است که انسان از آنها می‌هراسیده است. خط تصویری (هبر و گلیفی) مصریها نیز نوشته‌ای است از این نوع. پس از اینکه نقش‌ها کوتاه‌تر شد، و هر یک نمودار آوایی گردید سنگنبشته‌ها پدید آمد. گمان می‌رود که این سنگنبشته‌ها را نخست سنگنویسی نقش می‌کرده و سپس سنگتراشی ناآگاه‌آنها را می‌کنند است. در همین زمان انسان‌های سرزمین میان دو رود با قلم بروی لوحه‌های سفال گونه نقش می‌کردند و آنها را بکوره می‌نهادند تا پخته میشد. نمونه‌ی این لوحه‌ها را سرهنری لاپارد در کلمه یافته است.

یکی از آنها در موزه‌ی بریتانیا موجود است و شرحی است از طوفان نوح. شاید کهن‌ترین نمونه‌ی موجود. تاریخ نگارش آن بحدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح میرسد، و بدلیل‌هایی میتوان باور کرد که عبری‌ها داستان طوفان (سفر پیدایش) را از روایت‌های کلدانی گرفته‌اند که سالها سال پیش از نگارش تورات موجود بوده. کلدانیها برای نوشتن لوحه‌ها و سنگنبشته‌ها، خط میخی (Cuneiform) را بکار می‌بردند و این کلمه از واژه‌ی لاتین Cuneus گرفته شده که معنی‌اش کاوه یا شکافنده است. هر حرف شامل یک یا چند کاوه است که با قلمی آهنی و چهار گوشه از چوب بر است نگاشته میشود. در این زمینه بی‌جانست که از قوانین حمورایی سخن رود. با وجود اینکه این قانونها را جزء سنگنبشته‌ها نباید بشمار آورد. حمورایی پادشاه بابل در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح میزیست و قانونهای خویش را بروی سنگ سیاه بکارچهای نگاشته است، که در کاوش‌های شوش از دژ ویران آن بدست آمد. بلندی این سنگنوشته‌ی ستونی شکل به ۷ فوت میرسد (موزه‌ی لوور پاریس) در بالای سنگنوشته، گذارنده‌ی قانونها خدای آفتاب (شاماش) دیده میشود که حمورایی در برابر وی ایستاده و قانونها را در سافت میدارد. و در ۵۱ ستون اقیانوس قانونهای حقوقی، اجتماعی، کشاورزی و درباری از گونه‌ی: کسب و کار، ازدواج و طلاق، ارث، دادخواهی و بسیاری دیگر نقش گردیده. اما همه‌ی این قانونها را نمیتوان زاده‌ی اندیشه‌ی حمورایی دانست، چه همانندی بسیاری میان این قانونها و دستورهای موسی دیده میشود که سامی بودن آنها را اثبات میکند.

---

۲) گروهی بر آنند که پیش از پیدایش تمدن‌های کهن (کلده، مصر، هند)، قاره‌ای بنام Atlantes بوده که مردمش دارای تمدنی درخشان بوده‌اند و حتی این گروه اعتقاد دارند که تمدن مصر کهن میراث تمدن اتلانتهاست. اما این قاره و مردمش یکسره از میان رفته‌اند و هیچ‌گونه نشانی از تمدنشان در دست نیست.

۳) نقل از مقدمه‌ی کتاب «The Ancient History of the Near East» نوشته‌ی هال.

دستنویسان کلدی مزدور دربار بودند. هر گاه که شاه جنگ میرفت دستنویس یکی از عمرکابان گزیده‌اش بشمار می‌آمد، و کار وی آن بود که شمارهی شهرهای گشوده، تعداد کشتگان و اندازه‌ی خسارت‌ها را یادداشت کند. و نیز کاهنانی که ادبیات دینی کلدی را می‌نگاشتند از خزانه‌ی سلطنتی ماعانه می‌گرفتند. گذشته از گزارش جنگها و نیایش‌ها، لوحه‌های بسیاری مربوط به: کشاورزی، اخترشناسی، و سیاست نیز در کلدی یافت شده و میتوان گفت لوحه‌های سفال‌گونه‌ای را که لایارد و دیگر آشورشناسان کشف کرده‌اند، جزئی از کتابخانه‌ی سناخریب در نینوا بوده است. سناخریب بسال ۶۸۶ پیش از میلاد مسیح درگذشت. ادبیات مصر از نظر پیشینگی پس از کلدی جای دارد. در همان زمان که کلدانیها با قلمهای خویش بروی لوحه‌های سفال‌گونه می‌نوشتند - یا اندکی دیرتر - مصریان نیز با قلم نی که از ساقه‌های گیاهان، نیشکر و خیزران بدست می‌آمد ادبیات خود را بروی پاپیروس بنیان می‌نهادند. پاپیروس کاغذی بود که تاب مقاومت در هوای نمناک را نداشت و از اینرو تنها دستنوشته‌هایی از آن دوران با ما رسیده است که در زیر خاک خشک معبدهای مصر بجای مانده. کهن‌ترین دستنوشته‌ی مصری که ما از آن آگاهی داریم «کتاب مردگان» است، که همزمان با بنای هرم بزرگ نوشته شده و نسخه‌ای از آن در موزه‌ی بریتانیا موجود است. کتاب مردگان مجموعه‌ی راهنماییها و اندرزهایی است که برای راهبری مردگان در جهان آخرت نگاشته شده. گاهی دستنوشته‌ی کتاب را همراه جسد مومیایی شده درون تابوت می‌نهادند، و گاه درون طاقنمای معبدها، تا روح را در مسافرتش بجهان دیگر راهبر باشد. همه‌ی بخشهای این کتاب در یکزمان پدید نیامده، پاره‌ای از قسمت‌هایش در دوران پادشاهی کهن که پیشینگیش حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد، و بخش‌های دیگر آن در دورانهای پادشاهی میانه و جدید نگاشته شده. با اینوصف همگی یک مطلب اشاره کرده‌اند و آن راهنمایی مرده است در جهان دیگر. موضوع جالب کتاب باب ۱۲۵ آن است که سحنه‌ای از رستاخیز را می‌نمایاند و سه فصل در بردارد: پیشگفتار، انکار و سرانجام. در فصل نخست مرده بجایگاه دادرسی راهبری میشود، فصل دیگر در برابر خدایان حسابگر قرار میگیرد، و بخشی آخر شامل دستورها و اندرزهایی است که راه خروج را برده نشان میدهد. مرده در برابر خدایان حسابرس گناهان خویش را انکار میکند و خویشش را پاک و بیگناه می‌شمارد. و چون هر مرده نیازمند دستنوشته‌ای است تا در گور او بپوشند، خروج بوقتام اعتقاد دارد که مرده شویمان و کفن فروشان مصر کهن نخستین کتابفروشان تاریخ هستند. در مصر اندیشه‌ی ادبی از معبدها جان گرفت و در میان خدایان مصری «توت هرمس» لکلکسر، خدای «تالار کتابها» بود. با اینکه بیشتر آنچه از ادبیات مصر با ما رسیده دینی است، لیکن در مصر کهن ادبیات درباری و عامیانه نیز وجود داشته. مصریهای قدیم ادبیات پهناوی شامل کتابهای: دینی، اخلاقی، قانون، معانی و بیان، ریاضیات، اندازه‌گیری، هندسه و طب و حتی داستان بوجود آوردند. تنها اندکی از این دستنوشته‌ها با ما رسیده، و شاید دلیل آن کوششی بوده است که کاهنان مصری در نهفت رازها داشته‌اند. یقین است که آثار ادبی مصر کهن حتی بکتابخانه‌ی اسکندر به هم که کتابخانه‌ی یونانی بوده عرضه نگشته است. گذشته از کتاب مردگان دستنوشته‌های دیگری نیز از مصر کهن بجای مانده که همگی چگونگی دین، فلسفه و ادبیات مصر کهن را آشکار می‌سازد. «داستان دو برادر» و «ملکه‌ی محکوم» در دوران پادشاهی کهن نگاشته شده. دستنوشته‌های: «داستان سانهات Sanehat»، «داستان سختی Sekhti»، «دریانورد

کشتی شکسته ، « اندرزه‌های امنه‌ها Amenemhat » و « اندرزه‌های دف Dauf » به سه هزار سال پیش از میلاد می‌رسند . و « احکام انی Any » که خطاب به پسرش خونسوتپ (Khonsu Hetep) نگاشته شده بدوران پادشاهی تازه یعنی ۱۶۰۰ سال پیش از میلاد مربوط می‌شود . بخشی از این دست‌نوشته‌ها با طب و گروهی با ریاضیات و اخترشناسی سروکار داشته‌اند و داستانهایی بسیار نیز در میانشان دیده می‌شود . از آنجمله « داستان دو برادر » و « دریاورد کشتی شکسته » ، « سرگذشت دریاورد بدکار » و « افسانه‌ی خونفوی Khonfoui و جادوگران » . از نظر پیشینگی پس از کتاب مردگان ، دست‌نوشته‌ی « اندرزه‌های پناه هوتپ Petah - Hotep » شایان اهمیت است . و حتی گروهی آنرا کهنتر از کتاب مردگان و هر دست‌نوشته‌ی دیگری میدانند . پناه‌هوتپ در ممفیس زاده شد و تا حدود ۳۵۵۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌زیست . برای درک پیشینگی آن باید توجه داشت که این دست‌نوشته دو هزار سال پیش از پیدایش موسی و گردآوری ودهای هند نگاشته شده . و هزار و پانصد سال کهنتر از حماسه‌های همر و ضرب‌المثل‌های سلیمان است . فاصله‌ی سالهای میان سلیمان و دروران‌ها ، باندازه‌ی زمانی میان سلیمان و پناه هوتپ نیست . اندرزه‌های پناه‌هوتپ در روی پاپیروس باندازه‌ی ۲۳ فوت و ۷ اینچ در ۵ فوت و هفت هشتم اینچ نوشته شده و در موزه‌ی کتابشناسی ملی پاریس ، نگاهداری می‌شود .

۲

سدها سال پیش از آنکه تمدن اروپایی آغاز گردد ، کتابهای بسیاری در چین نگاشته شده بود . کهنترین کتاب چین را می‌شود « گزیده غزلها یا شبه چنگه » و « گزیده‌ی تاریخ یا شوچینگه » دانست که اولی گزیده‌ای است از سرودها و شعرهای کهن چینی ، و دیگری گردآورده‌ای است از داستانها . پیشینگی هیچکدام از این دو کتاب زودتر از هزاره‌ی اول پیش از میلاد مسیح نیست . لیکن کنفوسیوس فیلسوف بزرگ چین که چند صد سال پیش از تولد مسیح می‌زیست ادبیات واقعی و علم اخلاق را در چین بنیان نهاد ، و شکی نیست که وی در کتاب اندرزه‌هایش از این دو نوشته استفاده‌ی شایان کرده . چینی‌ها نخستین نوشته‌های خود را بر روی لوحه‌هایی از تارهای نی خیزران ، و گاه بر روی ایریشم یا قلمی تیز و پسا مرکب هندی می‌نگاشتند . کاغذ در حدود صد سال پیش از میلاد در چین ساخته شد و اندکی پس از تولد مسیح ، چینی‌ها از روی حروف برجسته‌ی ثابت چاپ را آغاز کردند ، و سیمد سال پیش از گوتمبرگ از روی حروف متحرک چاپ می‌کردند . ادبیات نخستین چین ، گذشته از سرودها ، ترانه‌ها و افسانه‌های ملی کهن شامل اندرزه‌های اخلاقی و دینی بود . بویژه اندرزه‌های فلسفی کنفوسیوس که راه زندگی آسوده در این جهان ، و آمادگی برای زندگی بهتر در دنیای دیگر را مینمود . نویسنده‌ی کهن چین اغلب فردی ارزشمند بود و یکی از وزنه‌های سنگین اجتماع . اما در آغاز قرن دوم پیش از میلاد امپراطوری بی‌فرهنگ « چه هوانگ‌تی » فرمان داد همه‌ی کتابهای ارزنده را - جز آنها که به پزشکی و شوهرداری وابسته بود - آتش‌زنند . پوتنام مینویسد : « با احتمال قوی این حادثه مؤثرترین نیرنگی است که برای پایمال کردن ادبیات در جهان اعمال گشته . » مردم بسیاری سرودها و افسانه‌های کهن را از برداشتنند

و جمله خوانان دوره گرد نیز آنان را باز میخواندند. نویسنده‌ی چینی از انتشار دستنوشته‌اش انتظار در آمدی نداشت، اما پشتش به جیره‌ای که از دربار می‌گرفت گرم بود. در هیچ کشوری، دولت نویسندگان و ادب پژوهان را اینسان گرامی نداشته است. نخستین زن نویسنده‌ی چینی زنی بود «پان چاوه» نام، که همزمان با تولد مسیح تاریخ می‌نگاشت. البته ادبیات چینی کهن‌ترین ادبیات جهان نیست، اما از نظر یکسانی و تغییرناپذیری در طی این ۲۵۰۰ سال مورد توجه است. ادبیات کهن چین چنان پهناور و برجسته است که ادبیات جدیدش در برابر آن جز یک‌رشته تقصیر بر کار گذشتگان چیزی نیست. نویسندگان کهن - بویژه کنفوسیوس - بیش از حد تصور در زندگی ملی، مذهبی، اخلاقی و سیاسی رخنه کردند، و همین امر مردم چین را محافظه‌کار ساخته است. توجه چینی‌ها با ادبیات کهن تا آن اندازه است که آفرینش ادبیاتی جدید که همپای ادبیات کهن باشد، روگرداندن از مقدسات و خامپنداری به شمار می‌رود. از آن گذشته سرسپردگی با ادبیات کهن، از همان ابتدا ادبیات چین را از هر گونه دگرگونی باز داشته. مطالعه‌ی شعری از «چاسر» که پانصد سال پیش سروده شده، و دریافت دگرگونیهای برجسته‌اش با انگلیسی امروزی، درک تغییرناپذیری بیش از اندازه‌ی زبان و ادبیات چین را آسان می‌سازد.

وداهای هند، کتاب مقدس مردم سانسکریت زبان، دست‌کم هزار سال پیش از میلاد مسیح نگاشته شده و نخستین پدیده‌ی ادبی مردم اروپائی نژادی است که در شبه قاره‌ی هند جای‌گزیده بودند و پدیده‌های گونه‌گون طبیعت را بزرگ می‌داشتند. «ودا» در سانسکریت بمعنای «دانسته»، «دانش» یا «علم» آمده، و بشکل‌های گوناگون در زبانهایی که ریشه‌ی هند و اروپائی دارند دیده میشود (در انگلیسی بصورت *Wit*، در لاتین *Videre*، در یونانی *Vid* و در زبان آلتها *Witum*). گروهی بر آنند که وداها - بویژه ریگ ودا - حتی از کتاب مردگان مصر نیز کهنترند. حال چه کهنتر باشد و یا نه، بزرگی این ادبیات دینی در آن است که سرچشمه‌ی دین‌ها و اندیشه‌های شرقی قرار گرفته و فلسفه‌های دیگری زائیده‌اند. بگفته‌ی ماکس مولر خاورشناس آلمانی: «ریگ ودا قدیمی‌ترین اثر فکری و زبانی مذهب آریائی است.» (۴) ادبیات ودا می‌دانند چهار نام بزرگه بنیان می‌نهد: ۱- چهار کتاب ودا که سرودها، و نیایش پدر گاه خدایان را در بردارند. ۲- برهمن‌ها یا آئین پرستش. ۳- اورانیاکا یا فرمان جنگلیها. ۴- اوپانیشادها که پایه‌ی فلسفه‌های آینده‌ی هند قرار گرفته. چهار کتاب ودا عبارتند: ریگ ودا، ساما ودا، یاچور ودا، اتهاروا ودا. ریگ ودا بزرگترین و کهنترین آنهاست با بیش از هزار سرود که سرچشمه‌های گونه‌گون دارند. بودا نیز در اواخر سده‌ی ششم پیش از میلاد میزیست و اندیشه‌ها و فلسفه‌اش سبب پیدایش ادبیات دینی پهناوری در هند گردید. دستنوشته‌های هندی بروی پوست یا برگ درختان خرما نگاشته میشد.

کتابهای نخستین ایران به پیشینیگی هند و دیگر کشورهای خاورمیانه نمیرسد. چه بیشک کهنترین نوشته‌ی موجود ایران که «اوستا» است سالها پس از کتابهای مقدس هند پدید آمده، و اصولاً مذهب زردشت پرتویست از کیش هندیان کهن. پس از هند از نظر پیشینیگی ادبیات عبری جای‌دارد و دوران پیدایش آن به ۶۰۰

سال پیش از میلاد مسیح میرسد. نخستین نوشته‌ی موجود عبری گرد آورده است از موضوع‌های گونه‌گون بنام عهد عتیق، که روایت‌ها و افسانه‌های بسیار در بردارد از پیدایش جهان تا طوفان نوح و بسیاری دیگر... پس از کتاب مقدس «تورات» دو کتاب دیگر بنام‌های «اپوکریفا» *Apocrypha* و «مکاشفه» *Apocalypse* پدید آمد که هر دو تقلیدیست از کتاب مقدس و گرد آورده‌ای از افسانه‌های اخلاقی، دینی و تاریخی.

تا آنجا که آگهی داریم تا حدود هزار سال پیش از این ادبیاتی در ژاپن موجود نبود و در آنجا نیز همچون چین و یونان، چکامه خوانان دوره گرد سالها سال پیش از پیدایش کتاب و نوشته پدید آمده بودند. در چهار صد سال اول میلادی ژاپنی‌ها هنوز مردمی ابتدائی و بی‌فرهنگ بودند، و ادبیات واقعیشان از زمانی آغاز میگردد که تمدن کهن چین از راه کره با آنان رسید و «ونگ این» خط چینی را پذیرفت.

نخستین کتاب ژاپن را میتوان دو کتاب «*Kojiki*» و «*Nihongi*» یا «*Nihon Shoki*» دانست که هر دو بزبان چینیست و با احتمال توان گفت که در حدود قرن هشتم میلادی نگاشته شده‌اند. در این دو کتاب بیش از ۲۰۰ سرود و افسانه کهن ملت ژاپن جای دارد، و همچنین بچگونگی پیدایش سرزمین و مردم ژاپن توسط خدایان و از آن جمله «*Amatrasu*» الهه‌ی آفتاب و برادرش «*Susano*» اشارت رفته. گذشته از این دو، کتاب‌های دیگری نیز از ادبیات کهن ژاپن بجای مانده: دوران نگارش کتاب «*Norito*» یا نیایش‌های «*Shinto*» به سده‌ی هفتم میلادی میرسد، و «*Semmyo*» یا فرمان‌های سلطنتی در سده‌ی هشتم نگاشته شده. «*Manyoshu*» نیز گنجینه‌یست از شعرهای شاعران کهن که بیش از ۴۵۰۰ شعر در آن گرد آمده. «*Kakinomoto No Hitomaro*» نام‌آورترین این شاعران است.

۳

قنیتی‌های مردم تاجر پیشه‌ی ساحل ژاپنی که در شمال آفریقا میزیستند و پایتختشان کارتاژ نخستین مرکز بازرگانی جهان بود، نخستین بار نوشتن را به یونانیان آموختند و یونانیان نخستین اندیشه‌ی کتابسازی را از مصریان گرفتند و الفبای یونانی بیشک از قرون هشتم پیش از میلاد بیحد گسترش یافته بود. یوانز در کتاب «ادبیات یونان» مینویسد که از ۵۰۰ سال پیش از میلاد بعد در یونان خواندن و نوشتن آموخته میشد، و در این زمان مدرسه‌های پسرانه در جزیره‌ی «چیوس» برقرار گشته بود و اغلب ندانستن خواندن و نوشتن تنگی بشمار میرفت. البته باعتقاد یوانز منظور از خواندن و نوشتن در ایندوره این بود که فرد حساب زندگی خود را نگاه دارد و با بستگان و دوستانش پیوند یابد، و دلیلی نیست که یونانیان ایندوره عادت کتابخوانی را فرا گرفته باشند. لیکن ادبیات گسترده و پهناور یونان با پیدایش ایلیاد و ادیسه جان گرفت. و گمان میرود که تاریخ نگارش این دو کتاب در حدود سده‌ی نهم پیش از میلاد باشد. پیش از پیدایش همر و نیز پس از او چکامه خوانان دوره گرد در یونان برواج ادبیات می‌کوشیدند. کار چکامه‌خوانان این بود که

شوندگان را با شعرهای حماسی و رزمی در هوای آزاد سرگرم سازند. چکامه خوانان همچون گروههای تاتری امروز از شهری به شهر دیگر سفر میکردند، و افسانه‌ها و حماسه‌هایی که از برداشتن سرمایه‌ی زندگی‌شان بود. ایلیاد و ادیسه نه تنها ادبیات یونان را بنیان نهاد بلکه میتوان گفت که ادبیات اروپا نیز زائیده‌ی آندوست. ایلیاد کهنتر از ادیسه است و موضوع آن داستان جنگ یونانیان است با مردم شهر ترویا. و ادیسه شرح سرگردانیهای اولیس است پس از شکست ترویا. اندکی پس از عمر، هزیود با کتاب «کارها و روزها» ادبیات یونان را گسترده تر کرد. کارها و روزها کتابی است در ارزش کار و سختکوشی و کشاورزی، و نخستین اثری در ادبیات یونان که از عدالت اجتماعی سخن گفته. یونان - بویژه پایتختش آتن - زمانی دراز مرکز ادبیات و فرهنگ آنروز بشمار میرفت و فیلسوفان، نمایشنامه‌نویسان و مورخان ارزشمندی همچون: سقراط، افلاطون، ارسطو، سوفوکل، اوریپید، اریستفان، گزنفون و هرودوت را بجهان آنروز عرضه کرد.

اسکندریه پس از آتن پایتخت فرهنگی یونان گردید (سه سوم پیش از میلاد) و بطلموسیان که شیفته‌ی گردآوری کتاب بودند، از هر فرصت برای گردآوری شاهکارهای بزرگ ادبی یونان استفاده میکردند. در کتابخانه اسکندریه در حدود هفتصد هزار کتاب یونانی وجود داشت که بخش بزرگی از آنها را ژول سزار امپراطور روم سال ۴۸ پیش از میلاد مسیح با آتش کشانید. امروز - تقریباً پس از دو هزار سال - در کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا فقط ۴ میلیون کتاب موجود است. در کتابخانه‌ی اسکندریه، خواننده بدستنوشته‌های: ایلیاد و ادیسه، جمهوری افلاطون، گزنفون و هرودوت، اوریپید، سوفوکل و اریستفان، هندسه اقلیدس و بسیاری از دیگر کتابهای ریاضی، علمی و فلسفی که همگی از میان رفته‌اند، دسترسی داشت. با وجود اینکه پیشینیان - بویژه رومیها - راهسازان چیره‌دستی بودند، هیچ رساله‌ای درباره‌ی هنر راهسازی دیرینه و یا رشته‌های دیگر مهندسی بجای نمانده. چنین کتابهایی بیشک وجود داشته و اکنون از میان رفته‌اند.

کتابهای کتابخانه‌ی اسکندریه چیزی جز کتابهای امروزی نبود. بیشتر آنها روی پاپیروس، و تعدادی روی پوست که استفاده‌ی از آن در حدود صد سال پیش از آنکه اسکندریه طعمه‌ی حریق گردد شناخته شده بود، نگاشته میشد. کتاب پاپیروسی همانندی بسیاری با نشه‌های جغرافیایی امروزی داشت. مطلب را در يك روی آن می‌نگاشتند و پاپیروس را با ستوانه‌ای چوبی وصل میکردند که بدو آن می‌پیچید. گروهی از این طومارها بسیار دراز بود، اما بیشتر آنها را کوتاه می‌ساختند. پهنای پاپیروس معمولاً يك فوت بود. و هر کتاب در بکرشته ستونهای باریک که از بالا تا پایین طومار امتداد می‌یافت نگاشته میشد. ستونها از دو تا سه و نیم اینچ پهن داشتند؛ و خطهای قرمزی آنها را از هم جدا میکرد. مرکب را از دوده، زغال چوب سائیده، استخوانهای سوخته و صمغ درست میکردند و با قلم نی مینوشتند، استفاده از قلم پر از سده‌ی هفتم میلادی بیهوده دانسته شد. دستنویسان بیشتر بردگان یا آزادشدگان بودند، در میان دستنویسان حرفه‌ای روم بنام زنان نیز برمیخوریم. از هر اثر دستنوشته‌های گونه‌گونی نوشته میشد و بکتابخانه‌ها راه می‌یافت. چنانکه از ایلیاد هم احتمالاً در حدود بیست و چهار دستنوشته‌ی مختلف نگاشته شد و در کتابخانه‌ی اسکندریه وجود داشت. بنابراین شماره‌ی واقعی کتابها بسی کمتر از شماره‌ی دستنوشته‌ها بود. پس از

آنکه دستنویس کتاب را روی پاپیروس یا پوست می‌نوشت، صنعتگری آنرا با طلا و نقره می‌آراست. آنکاه‌صحافان دستنوشته را دریافت میکردند و حاشیه‌هایش را می‌بریدند و صاف میکردند. طومار را با ستوانه‌های چوبی و باریک وصل میکردند و دستگیره‌هایی فلزی بدو سوی آن می‌پیوستند، پشت کتاب را با زعفران رنگین می‌ساختند و طومار را در صندوقچه‌های پوستی ارغوانی یا زرد جای میدادند. دستنویسان نیز نخستین کتابفروشان بودند. اینان دستنوشته‌ای را از دیگری به‌کرایه می‌گرفتند، و با رنج فراوان از رویش رونویس میکردند و می‌فروختند. بسیاری از این دستنویسان کتابفروش پنجاه سال پیش از میلاد مسیح در آتن می‌زیستند و حجره‌هایشان در بازارهای عمومی جای داشت. در دوران اسکندر کبیر کتابفروشی حرفه‌ای استوار گردید. کتابفروشان دنیای کهن نیز نگه نیز بکار می‌بردند، چنانکه دستنوشته‌های تازه را مدتی در کسبه‌ای از قزمزاندند و سپس می‌ساختند تا رنگش دیگرگون میشد و آنگاه پاپیروس را به‌گونه‌ی عتیقه‌ی نایاب بخریداران ساده لوح عرضه می‌داشتند.

همزمان با کوششهای ادبی اسکندریه، نویسندگان روم نیز بسبب آتنی‌ها آثاری پدید آوردند. شاید برجسته‌ترین پیشامد در آغاز تاریخ ادبی اسکندریه ترجمه «عهد عتیق» بود به یونانی توسط هفتاد روحانی دانشمند یهودی. جایگاه ویژه اسکندریه، آنرا تا اندازه‌ای از کشمکشهای همیشگی آنروز که بخش بزرگی از دنیای کهن را بویرانی‌گشاید، بدور داشت و دستنویسان آسوده خیال دستنوشته‌های بسیار مینوشتند و توسط کتابفروشان اسکندریه در سراسر دنیای تمدن آنروز پخش میکردند. جایگاه برجسته‌ی ادبی اسکندریه مدتها پس از فتح آن توسط لشکریان روم و تا زمانی که یونانی زبان رایج دنیای کهن بود دوام داشت. حتی تا قرن پنجم میلادی هم اسکندریه مرکز آموزش و فرهنگ بشمار میرفت و این حقیقت را چارلز کیگنرلی در رمان شاعرانه‌ی خود *Hypatia* بیان داشته است.

ادبیات روم کهن در آغاز سرچشمه‌ی خارجی داشت چه، هنگامیکه روم پایتخت فرهنگی و ادبی جهان آنروز گردید، نویسندگان نامجو از هر سوی بدان هجوم بردند. آنسان که در سده‌ی هجدهم میلادی بیاریس شتافتند. اما باز هم زمانی دراز یونانی زبان ادبی جهان بود و مدتها پس از شکست یونان از روم، نویسندگان رومی کتابهای یونانی را که از دستنویسان اسکندریه خریده بودند مطالعه می‌کردند. ادبیات لاتین که بدنیای آنروز عرضه شد، نشی بود از ادبیات یونان. نواپشناه‌های یونانی، نوشته‌های عمر و بسیاری نوشته‌های دیگر به لاتین گردانده شد. بیشتر نویسندگان نامور لاتین پیش از سده‌ی اول قبل از میلاد همگی خارجی بودند. دوران طلایی ادبیات لاتین بیش از صد سال نپائید و در این دوران - میان سالهای سد پیش از میلاد و تولد مسیح - سیرو، لوکرتیوس، هوراس، ویرژیل، اوید و لیوی همه زیستند و نوشتند و مردند.

ژوزف شیلور در کتاب گیرای خود «افسون کتابها» مینویسد:

«کتابفروشی‌های روم جایگاه ادیبان مدبرست آنروز بشمار میرفت. دوستان ادیب و نقاد در این حجره‌ها گرد می‌آمدند و درباره‌ی کتابهایی که تازه از زیر دست دستنویسان در آمده بود بحث میکردند. حجره‌ها در پررفت‌وآمدترین جاها قرار داشت. عنوان کتابهای تازه را در جلو حجره‌ها بنمایش می‌گذاشتند و همچنین فهرست کتابهایی که در دست نوشتن



بود اعلام میگشت . در جلو حجره جبهه‌ای بود از کتابهای ارزان بها و بسیاری از این  
 رسم‌های دیرینه اکنون اساس کتابفروشی و کتابداری گشته است . . . .  
 با پایان آمدن دوران بزرگی روم و یونان ادبیات کهن اروپا پایان می‌پذیرد و  
 دوران تیره قرون وسطی فرا میرسد که نه چراغی هست و نه امیدی . تنها گروهی راجب  
 بدیر نشسته بدستنویسی کتابهای کهن سرگردند و گاهگاهی پرتوی نیرنگ در آسمان این  
 چند قرن تیره کور سومیزند . شارلمانی پدیدمآید و میمیرد و اندکی بعد دوران سیاه قرون  
 وسطی با تشنج سپری میشود ، تا نوزایی فرارسد و قرن‌ها از نو پرتو بخشد . . .  
 این‌سان از پیدایش کهن‌ترین تمدنها تا مرگ تمدن یونان و روم نوشته‌های بسیار  
 پدید آمد . همه‌ی این کتابها و نشانه‌های ادبی دوران کهن ، نموداری هستند از فلسفه‌ها و  
 اندیشه‌های انسانها - انسانهاییکه تمدن را بنیاد کردند ، خدایان گونه‌گون را پرستیدند ،  
 بسیار جنگیدند و ستیز کردند و مردند . و اینک حماسه‌هاشان ، پنداره‌هاشان و فلسفه‌هاشان  
 را میتوان در همین طومارها و پوستها و لوحه‌های خاک‌خورده و باران دیده یافت .

ر . رادفرنیا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی